

متن پرسش

من برم به کی بگم حالمو؟ کی از دل من خبر داره؟ کیه که میفهمه اصل مسئله من چیه؟ کیه که میدونه من برا چی خرابه؟ اصلا کسی هست منو نجات بده؟ اصلا کسی هست؟ خالم خراب خراب خراب، نمیدونم به کی باید پناه ببرم. میگن به خدا پناه ببر، قبول، ولی نمیدونم چرا نمیتونم با این خدا ارتباط برقرار کنم، خسته ام از این وجهه ای که دارم، کاش هیچکس احترامم نمیکرد. کاش... کاش... کاش. دلم میخواد برم ریش هام رو بتراشم و چند تا کار نامتعارف انجام بدم تا دیگران نگاهشون بهم عوض بشه. میگن خوب چرا این کار رو بکنی، خودت رو با وجهه ات تطبیق بده. نمیتونم. با پدر و مادرم نمیتونم ارتباط برقرار کنم (مرتب عاق میشم) ۹ ماهه ازدواج کردم گفتم خوب میشه، با همسرم هم نمیتونم رابطه درستی برقرار کنم. کاش یکی به دادم می رسید. این درد دلمه. هیچ چیزی به ذهنم نمیرسه. حرف هایی زدم و کار هایی کردم که هیچ برگشتی نداره. از دست حرف های کلیشه ای هم خسته ام. شاید شما هم بگین نیهیلیسم زمانه، خوب چیکار کنم؟ بدون نشاط و امید که کاری نمی توان کرد. مرتب کارم این شده، یه چند روز امیدوار میشم، یه چند روز ناامید (شدم مصداق آیه قل تمتع بکفرک قليلا). اگه وقت دارین کمک کنید. من کتاب هاتون خوندم.

متن پاسخ

باسمه تعالی: سلام علیکم: در هر حال آیا جز راهی به غیر از آن که خودمان مسئله مان را با راهی که محمد و آل محمد صلوات الله علیه در مقابل ما گشوده اند، باید حل کنیم؟ در هر حال این انسان ها معنابخشی به خود و دیگران را در این عالم به نمایش گذاشته اند. آنقدر باید تلاش کرد تا حجاب بین ما و این انوار مقدس رقیق و رقیق تر شود و معنای حقیقی که آن بنیادین ترین معناست به ما برگردد. زیارت مزار شریف این بزرگان، خود به خود این مسئله را نیز برای ما اثبات می کند. موفق باشید